

تأثیر و چگونگی استفاده از ادبیات کودکان برای آموزش زبان فارسی به کودکان غیرفارسی‌زبان

علی فرخنده کلات^۱

مریم نظری خباز^۲

مهدی حیدریان^۳

چکیده:

این مقاله در پی این است که تأثیر و چگونگی بهره‌گیری از ادبیات کودکان را برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. پرسش‌های اساسی تحقیق عبارت است از این‌که آیا می‌توان از ادبیات معاصر کودکان در زبان فارسی برای آموزش زبان فارسی بهره برد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این پرسش ادبیات معاصر کودکان در زبان فارسی چه قابلیت‌هایی برای آموزش واژگان، نحو و... به کودک غیرفارسی‌زبان دارد؟ و چگونه می‌توان از ادبیات کودکان برای انتقال فرهنگی (فرهنگ‌پذیری) کودکان زبان‌آموز غیرفارسی‌زبان استفاده کرد؟ مقاله پس از بیان مقدمه‌ای در مورد ادبیات کودکان در زبان فارسی، تاریخچه مختصری از آن و جایگاه فعلی آن به بیان پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده در ایران در مورد چگونگی استفاده از ادبیات در آموزش زبان می‌پردازد. سپس تأثیر ادبیات (به مفهوم عام آن) را در آموزش زبان بررسی می‌کند و این موضوع را زیر شش عنوان «ادبیات به مثابه عاملی برای فرهنگ‌پذیری زبان‌آموزان»، «ادبیات به مثابه ابزاری برای انگیزه دادن به زبان‌آموزان»، «ادبیات به مثابه منبعی «اصلی» برای آموزش زبان»، «ادبیات به منزله منبعی برای افزایش ظرفیت یادگیری زبان‌آموز»، «ادبیات به عنوان ابزاری برای کاهش اضطراب زبان‌آموز» و «ادبیات به عنوان منبعی ملهم از پدیده‌ها و ارزش‌های فرهنگی جهانی» مورد مطالعه قرار می‌دهد. در ادامه به طور خاص به تأثیر و چگونگی بهره‌گیری از ادبیات کودکان در آموزش واژگان، ساخت‌های نحوی و انتقال فرهنگ زبان فارسی به کودکان غیرفارسی‌زبان پرداخته می‌شود. نتیجه این‌که اگرچه در حال حاضر میان واژگان پایه مورد استفاده کودکان فارسی‌زبان و واژگان مورد استفاده در ادبیات کودکان همبستگی چندانی وجود ندارد، اما در مقابل ادبیات کودکان می‌تواند از نظر آموزش ساخت‌های نحوی و انتقال فرهنگ زبان فارسی به صورت موثری به کمک آموزش زبان فارسی به کودکان غیرفارسی‌زبان بیاید.

کلید واژه‌ها: ادبیات کودکان، آموزش زبان فارسی، کودکان غیرفارسی‌زبان، آموزش ساخت‌های نحوی، انتقال فرهنگی

www.Anjomanfarsi.ir

مقدمه:

در حال حاضر زبان و ادبیات فارسی از گنجینه‌ای غنی و پربر در زمینه ادبیات کودکان برخوردار است؛ که زمان آغاز شکل‌گیری آن به بیش از یک قرن پیش برمی‌گردد. تا قبل از انقلاب مشروطه، برای آموزش فرزندان زمامداران از کتاب‌هایی مانند کلیله و دمنه، قابوسنامه و مرزبان‌نامه استفاده می‌شد (عزب‌دفتری، ۲۷: ۱۳۸۴). همزمان با انقلاب

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد Alifarkhondehkalat@gmail.com

^۲ دانشگاه فردوسی مشهد manzooome1392@gmail.com

^۳ دانشگاه فردوسی مشهد heidaryan17@yahoo.com

مشروطه ایرج میرزا با به نظم درآوردن حکایت‌هایی ساده و نیز سرودن اشعار پندآموز کودکانه آثار ادبی مستقل و ویژه‌ای را برای کودکان به وجود آورد (نگ به: محبوب، ۱۳۴۲). با آغاز قرن حاضر ادبیات کودکان در زبان فارسی با شتاب بیشتری به رشد و بالندگی خود ادامه داد. در سال ۱۳۰۸ شمسی جبار عسگرزاده (باغچه‌بان) مجموعه‌ای از آثار خود را که شامل چند شعر و نمایشنامه جذاب برای کودکان بود، همراه با تصاویر ساده‌ای منتشر کرد (عزب-دفتری، ۱۳۸۴). در سال ۱۳۱۵ شمسی علی‌نقی وزیری دست به انتشار کتاب‌هایی زد و آن‌ها را همراه با شعرهای کوتاهی به نام «خواندنی‌های کودک» منتشر کرد (عزب‌دفتری، ۱۳۸۴). در سال‌های بعد روند رشد ادبیات کودک باز هم پرشتاب‌تر شد و چهره‌هایی مانند فضل‌الله مهتدی، عباس یمینی شریف، محمود کیانوش، صمد بهرنگی، مهدی-آذریزدی و ... در صحنه ادبیات کودکان ظهور کردند. رویدادهایی مانند انتشار مجله کیهان بچه‌ها در سال ۱۳۳۵، تأسیس سازمان شورای کتاب کودکان در سال ۱۳۴۱ و تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۴ نیز به شکوفایی بیشتر ادبیات کودکان کمک کرد (عزب‌دفتری، ۱۳۸۴:۲۸). آثار فراوانی که در این دوره به وجود آمد شامل شعر و داستان، ترجمه آثار ادبی مربوط به کودکان از ادبیات سایر ملل و سازگار کردن متون ادبی کهن فارسی برای بهره‌گیری کودکان بود.

پس از انقلاب اسلامی، چهره‌های جدیدی در عرصه ادبیات کودک ظهور کردند، و این شاخه از ادبیات با تکیه بر پیشینه‌ای که داشت، و با تغییراتی در شکل و محتوا به حرکت رو به رشد خود ادامه داد. مجید راستی، شکوه قاسم-نیا، جعفر ابراهیمی، افشین علاء و ده‌ها شاعر و نویسنده دیگر از چهره‌های ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب می‌باشند. کوتاه سخن این که در حال حاضر آن‌چنان گنجینه غنی‌ای در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان در زبان فارسی وجود دارد که می‌تواند تکیه‌گاه محکم و ابزار مناسبی برای بسیاری از اقدامات و فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی باشد.

از سوی دیگر در سال‌های گذشته گرایش به یادگیری زبان فارسی در میان غیرفارسی‌زبانان گسترش بسیاری داشته است. این امر نه تنها در میان بزرگسالان، که حتی در میان کودکان غیر فارسی‌زبان نیز بروز و ظهور داشته است. وجود صدها هزار خانواده ایرانی یا ایرانی‌تبار مهاجر در کشورهای مختلف دنیا از دلایل این امر است؛ زیرا نسل‌های دوم و سوم این مهاجران در کشورهای دیگر با فرهنگ و زبان بیگانه بزرگ شده‌اند، و اکنون پدران و مادران و نیز خود فرزندان، خواهان برقراری ارتباط با اصل و گذشته و پیدا کردن ریشه‌های فرهنگی خود هستند. گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی و تقاضا برای آشنایی با پیام انقلاب نیز از دلایل دیگر این امر می‌باشد. از آن‌جا که استفاده از داستان‌های کودکان می‌تواند در آموزش زبان به کودکان بسیار سودمند باشد، (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۹:۱۱۹)، و بهره‌مندی از شعرهای کودکانه نیز به دلیل آهنگین بودن و جذابیت بر یادگیری زبان به کودک بسیار تأثیرگذار است (عشقوی، ۱۳۹۰)، لازم است که با برقراری ارتباط میان دو زمینه فرهنگی «ادبیات کودکان و نوجوانان در زبان فارسی» و «آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان» راه کوتاه‌تری برای نیل به مقصود یافت؛ و آن‌را به دیگران نیز معرفی کرد.

این پژوهش در پی آن است که چگونگی استفاده بهینه از ادبیات کودک و نوجوان را برای آموزش زبان فارسی به کودکان غیرفارسی‌زبان بررسی کرده، و ظرفیت‌های ادبیات کودکان را برای آموزش بخش‌های مختلف زبان فارسی معرفی نماید.

پرسش‌های اساسی تحقیق عبارت است از:

۱- آیا می‌توان از ادبیات معاصر کودکان در زبان فارسی برای آموزش زبان فارسی بهره برد؟

تأثیر و چگونگی استفاده از ادبیات کودکان برای آموزش زبان فارسی به کودکان غیرفارسی‌زبان / ۴۸۷

- ۲- در صورت مثبت بودن پاسخ پرسش بالا، ادبیات معاصر کودکان در زبان فارسی چه قابلیت‌هایی برای آموزش واژگان، نحو و... به کودک غیرفارسی‌زبان دارد؟
- ۳- چگونه می‌توان از ادبیات کودکان برای انتقال فرهنگی (فرهنگ‌پذیری) کودکان زبان‌آموز غیرفارسی‌زبان استفاده کرد؟

پیشینه تحقیق

بهره‌گیری از ادبیات برای آموزش زبان سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های آموزش زبان، روش «دستور-ترجمه»^۱ است که هدف بنیادین آن مجهز کردن زبان‌آموز به توانایی خواندن ادبیات زبان مقصد می‌باشد (لارسن فریمن، ۱۹۸۶). در این روش آشنایی زبان‌آموز با فرهنگ زبان مقصد به ادبیات آن زبان محدود می‌شود (ریچاردز، راجرز، ۲۰۰۱). اگرچه امروزه روش «دستور-ترجمه» روشی تقریباً منسوخ شده است، و طرفداران زیادی ندارد، اما توجه به ادبیات در این روش به عنوان یکی از کهن‌ترین روش‌های آموزش زبان نشان‌دهنده تأثیر و اهمیت آن به عنوان ابزاری بسیار مهم و قوی در زبان‌آموزی می‌باشد. البته توجه به ادبیات برای آموزش زبان در روش‌های بعدی نیز ادامه پیدا کرد، از جمله در روش «تلقین‌زدایی»^۲ به استفاده از ترانه‌های کودکانه و در روش «آموزش ارتباطی زبان»^۳ به استفاده از داستان‌های مصور برای آموزش زبان تأکید شده است.

در ایران نیز پژوهش‌هایی برای بررسی نقش ادبیات در آموزش زبان انجام شده است. از جمله مریم رضایزدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (۱۳۸۰) به موضوع استفاده از متن‌های ادبی برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان می‌پردازد (رضایزدی، ۱۳۸۰). او در این پایان‌نامه بعد از بیان کلیات و مباحث نظری و پیشینه تحقیق به بیان نقش‌های زبان می‌پردازد. سپس انواع ادبی را معرفی کرده و کاربرد آن‌ها را در کلاس آموزش زبان بیان می‌کند. در ادامه ساختار درس‌هایی را که قرار است ارائه دهد معرفی می‌نماید؛ و در پایان ده درس نمونه بر همین اساس ارائه می‌دهد (رضایزدی، ۱۳۸۰). شباهت این پژوهش به تحقیق ما توجه به ادبیات برای آموزش زبان است، اما تفاوت آن در این است که پژوهش ما این موضوع را برای آموزش زبان به کودکان مورد توجه قرار می‌دهد.

تهمینه خراط طاهر دل در پایان‌نامه خود (۱۳۸۸) موضوع جلوه‌های فرهنگ در کتب آموزش زبان را مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهد (خرراط طاهر دل، ۱۳۸۸). اگرچه شاید موضوع قدری غیر مرتبط به نظر برسد ولی چون ادبیات بخشی از فرهنگ است، این پایان‌نامه را نیز می‌توان در پیشینه تحقیق قرار داد.

باقرزاده اکبری در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به (۱۳۸۳) تأثیر ادبیات کودکان را برای آموزش زبان فرانسه مورد بررسی قرار می‌دهد. او به نقش ادبیات در در انگیزه دادن به زبان‌آموزان اشاره کرده و اظهار می‌دارد که استفاده از ادبیات کودک یکی از روش‌هایی است که می‌تواند در کلاس انگیزه یادگیری به وجود آورد. بنابر پژوهش او ادبیات کودک نقش مثبتی در رشد و پرورش زبان نزد کودکان دارد. خواندن آثار ادبی کنجکاوای کودکان را بر می‌انگیزد و برای کودکان این امکان را فراهم می‌کند تا قوه تخیل خود را پرورش دهند و با فرهنگ‌های دیگر آشنا شوند. ادبیات در شکل‌گیری شخصیت کودکان نقش مؤثری دارد و به آنها کمک می‌کند تا خود را بهتر بشناسند و به دنیای اطرافشان بیشتر فکر کنند (باقرزاده اکبری، ۱۳۸۳). او در پایان‌نامه خود سعی می‌کند که نقش ادبیات کودک را در

- 1- Grammar-translation method
- 2- Desuggestopedia
- 3- Communicative Language Teaching

آموزش زبان فرانسه به عنوان یک زبان خارجی به کودکان بررسی کند. وی در تحقیق خویش نکاتی را که می‌تواند در امر آموزش زبان خارجی به کودکان موثر باشد برمی‌شمارد (باقرزاده اکبری، ۱۳۸۳: ۸).
وجه اشتراک تحقیق اخیر و پژوهش حاضر در این است که هر دو به نقش و تأثیر ادبیات کودکان در آموزش زبان می‌پردازند، اما وجه افتراق این دو در زبان مورد بررسی است، چرا که پایان‌نامه مذکور این موضوع را برای زبان فرانسه و مقاله حاضر برای زبان فارسی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

نقش و تأثیر ادبیات در آموزش زبان

لازم است که قبل از این که بحث خود را اختصاصاً درباره تأثیر ادبیات کودکان در آموزش زبان فارسی آغاز کنیم در مورد نقش ادبیات در یادگیری زبان، به طور کلی، بحث کوتاهی داشته باشیم. در این بخش با استفاده از منابع معتبر آموزش زبان، به عوامل مؤثر و مهم در این امر اشاره می‌کنیم؛ و نقش‌هایی را که ادبیات می‌تواند برای برآوردن این عوامل ایفا کند یادآور می‌شویم.

۱. ادبیات به مثابه عاملی برای فرهنگ‌پذیری زبان‌آموزان

شکی نیست که زبان و فرهنگ هر قومی همچون تار و پود آن‌چنان درهم‌تنیده و به هم بافته‌اند که به آسانی قابل تفکیک و جدا شدن از یک‌دیگر نیستند. اولین و مهم‌ترین عرصه‌ای که تأثیر فرهنگ را در آن می‌بینیم زبان است. به عنوان مثال در همه زبان‌ها تعدادی از واژگان به عنوان «واژگان ممنوع»^۱ شناخته می‌شوند، که کاربرد آن توسط سخن‌گویان قابل قبول نیست و مؤدبانه شمرده نمی‌شود. این که چه کلماتی جزء فهرست «واژگان ممنوع» قرار بگیرند، در درجه اول و قبل از هر چیز دیگر ریشه در فرهنگ و نگرش فرهنگی افراد جامعه نسبت به پدیده‌های مختلف دارد.

به عنوان مثالی دیگر، کاربرد بسیاری از ساخت‌ها تابع عوامل فرهنگی است. از جمله در هر زبانی راهکارهای متفاوتی برای بیان مطلب، ابراز احساسات، پرسش، امر و نهی، درخواست و تقاضا، هشدار و تذکر و ... وجود دارد. در برخی زبان‌ها -مثلاً- استفاده از جملات امری برای درخواست انجام کاری ممکن است از سوی مخاطب بی‌ادبی تلقی شود، حال آن‌که در زبان دیگری ممکن است که راهکار اصلی و معمول برای چنین هدفی دقیقاً استفاده از ساخت‌های امری باشد.

همچنین در هر زبانی تعدادی از کلمات در معانی غیر از معانی لغت‌نامه‌ای آن‌ها به کار می‌رود. مانند عبارت «الحمدلله» که در زبان فارسی در جواب «حال شما چطور است؟» به کار می‌رود، و معنای «خدا را شکر [خوب هستم]» می‌دهد. اگر در جامعه‌ای اسلامی در جواب این پرسش پاسخ دهیم که «حالم خوب است» باین‌که جواب نادرست و نامربوطی نداده‌ایم، اما نشان داده‌ایم که ما متعلق به آن جامعه نیستیم (یول، ۱۹۹۶).

اگرچه جای اینگونه تحلیل‌ها در بخشی از شاخه «کاربردشناسی»^۲ از دانش زبان‌شناسی است، اما ادبیات نیز منبع بسیار خوب و قابل‌اعتنایی را برای آموزش این ویژگی‌های فرهنگی زبان در اختیار فرایند آموزش زبان می‌گذارد. از این گذشته، یکی از هدف‌های اصلی که در جهان امروز از آموزش زبان مدنظر است، برقراری ارتباط، و به عبارت بهتر به دست آوردن توانش ارتباطی است (لارسن فریمن، ۱۹۸۶). اگر زبان‌آموز فرهنگ زبان مقصد را نیاموزد، و با آداب و رسوم، ویژگی‌های رفتاری، فکری، اجتماعی و ... صاحبان زبان مقصد به خوبی آشنا نشود، رسیدن به چنین

4- Taboo
5- Pragmatics

تأثیر و چگونگی استفاده از ادبیات کودکان برای آموزش زبان فارسی به کودکان غیرفارسی زبان / ۴۸۹

هدفی بسیار بعید، حتی غیر ممکن است. بنابراین، همان‌طور که گفته شد، توجه به ادبیات برای دستیابی به چنین هدفی اجتناب‌ناپذیر است.

۲. ادبیات به مثابه ابزاری برای انگیزه دادن به زبان‌آموزان

انگیزه عاملی است که فرد را به سمت انجام کاری وا می‌دارد، و در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شود (گنجی، ۱۳۷۶). در امر زبان‌آموزی انگیزه زبان‌آموزان عامل مهمی است که برای شروع و ادامه کار نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد، به طوری که می‌تواند بسیاری از کاستی‌های فردی زبان‌آموز را بپوشاند (دورنیه، ۱۹۹۸). چنانچه غنا و گستردگی و نیز زیباییها و تأثیرات ادبیات زبان مقصد به خوبی به زبان‌آموزان شناسانده شود، می‌تواند عامل مهمی برای سوق دادن زبان‌آموز به طرف یادگیری زبان باشد. در بسیاری از مواقع زبان‌آموز با انگیزه بالایی شروع به یادگیری زبان می‌کند، اما در ادامه راه دچار تزلزل شده و یادگیری‌اش با وقفه یا سستی همراه می‌شود (دورنیه، ۱۹۹۸). این امر در بسیاری از مواقع ریشه در خستگی و دلزدگی زبان‌آموز دارد. در این مواقع نیز رجوع به ادبیات و استفاده از مواد ادبی جذاب، ساده و لذت‌بخش می‌تواند ذهن و روحیه زبان‌آموز را برای ادامه راه آماده کند.

۱. متون ادبی به منزله مواد درسی «اصلی» برای آموزش زبان

اصلی بودن مواد آموزشی زبان یکی از ویژگی‌هایی است که بر آن تأکید بسیار می‌شود (تام‌لینسون، ۲۰۰۳). زیرا استفاده از مواد آموزشی غیر اصلی (ساختگی) ممکن است در پاره‌ای مواقع زبان‌آموز را به اشتباه بیندازد. دلیل این امر این است که متن‌هایی که صرفاً برای آموزش زبان به وجود می‌آیند بر واژگان و ساخت‌هایی تأکید می‌کنند که مطابق برنامه درسی به زبان‌آموز آموزش داده شده است. بنابراین ممکن است زبان‌آموز یاد بگیرد که یک واژه یا یک ساخت را در جمله‌ای به کار ببرد که ممکن است با کاربرد آن در موقعیت‌های واقعی متفاوت باشد. به عبارت دیگر این خطر وجود دارد که زبان‌آموز جمله یا ساختی را که برای اهداف آموزشی طراحی شده است، در موقعیت‌های واقعی به صورتی به کار ببرد که طبیعی و عادی نیست. اما اگر مواد آموزشی برای آموزش زبان دوم یا خارجی «اصلی» باشد و از موقعیت‌های طبیعی و واقعی انتخاب شده باشد، این خطر از بین می‌رود یا به حداقل می‌رسد.

از آن‌جا که متون ادبی توسط افرادی نوشته شده است، که به زبان مورد نظر مسلط هستند، و از نوشتن آن قصد و هدف آموزشی نداشته‌اند، اگر به عنوان مواد آموزشی برای آموزش زبان به کار روند، مواد اصلی محسوب می‌شوند و معایب مواد غیراصلی یا ساختگی را ندارند.

۲. متون ادبی به منزله منبعی برای افزایش ظرفیت یادگیری

یک متن آموزشی مناسب باید بتواند ظرفیت یادگیری زبان‌آموز را به حداکثر برساند. برای این کار باید بتواند هر دو نیم‌کره راست و چپ مغز را فعال کند (تام‌لینسون، ۲۰۰۳:۲۱). به همین منظور لازم است که متن انتخاب‌شده برای آموزش زبان هم بتواند احساسات فرد را تحریک کند و هم قوه تجزیه و تحلیل منطقی او را درگیر سازد. ادبیات هر دوی این اهداف را برای ما تأمین می‌کند. مخصوصاً ادبیات کودکان، که موضوع اصلی بحث ما است و بیشتر درباره آن سخن خواهیم گفت، ابزاری مناسب برای نیل به این دو هدف است. زیرا از یک طرف مواردی چون شعر، که ذات و درون‌مایه آن احساسات است، و داستان‌های احساسی و ... را شامل می‌شود؛ و از سوی دیگر نوشته‌هایی چون داستان‌های علمی، چیستان‌ها و ... را دربرمی‌گیرد (نک به: جعفرقلیان، ۱۳۹۱ و گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸). این به

این معنا است که هم عواطف زبان آموز و هم قوای استدلالی و منطقی او را تحریک کرده و از این رهگذر با فعال-سازی هر دو نیمکره راست و چپ مغز، ظرفیت یادگیری او را افزایش می دهد.

۱. استفاده از متون ادبی به عنوان ابزاری برای کاهش اضطراب زبان آموز

به اعتقاد جورجی لازانف دلیل ناکارآمدی بسیاری از روش های آموزش زبان وجود موانع روانی است (لارسن-فریمن، ۱۹۸۶). او معتقد است که هر اس زبان آموز از این که توانایی لازم برای یادگیری زبان را نداشته باشد یا در یادگیری زبان موفق نشود، امکان یادگیری زبان را به پنج تا ده درصد ظرفیت ذهنی واقعی فرد کاهش می دهد (لارسن-فریمن، ۱۹۸۶). اهمیت این موضوع به حدی است که برخی از روش های آموزش زبان، مانند روش تلقین-زدایی، صرفاً به منظور کاهش یا حذف احساس منفی عدم موفقیت به وجود آمده است (لارسن-فریمن، ۱۹۸۶). از این رو در انتخاب منبع مناسب برای آموزش زبان باید به این نکته توجه ویژه ای داشت. از آنجا که یکی از کارکردهای متون ادبی، به ویژه متون ادبی کودکان، جنبه لذت بخشی و سرگرم کنندگی آن است (نک به: جعفرقلیان، ۱۳۹۱: ۱۲)، هنگامی که برای آموزش زبان انتخاب می شود، می تواند با دادن احساس لذت و آرامش به او تا حد زیادی از فشار روانی زبان آموز بکاهد.

۱. متون ادبی به عنوان منبعی ملهم از پدیده ها و ارزش های فرهنگی جهانی

کسانی که به یادگیری زبان خارجی یا زبان دوم می پردازند، عموماً متعلق به کشورها مختلف و در نتیجه فرهنگ ها و خرده فرهنگ های گوناگون هستند. بنابراین متن آموزشی ضمن این که باید هدف انتقال فرهنگ زبان مقصد (فرهنگ-پذیری) را تأمین کند، لازم است که به وجوه اشتراک تمام فرهنگ ها، که ما از آن به پدیده های فرهنگی جهانی یاد می کنیم، بپردازد. به عنوان مثال پدیده ازدواج یک پدیده جهانی است. حال این پدیده در هر منطقه و هر کشوری با آداب و رسوم خاص خود انجام می شود. اگر یک متن آموزشی به پدیده ازدواج بپردازد، در واقع به یک پدیده جهانی اشاره کرده است، و اگر همان متن به چگونگی ازدواج در یک منطقه خاص توجه کند در جهت انتقال فرهنگی گام برداشته است. همان گونه که گفته شد، در انتخاب متون آموزشی برای آموزش زبان باید (علاوه بر انتقال فرهنگی و فرهنگ پذیری) به جهانی های فرهنگی توجه ویژه ای داشته باشیم، چرا که با توجه به این که همه زبان-آموزان با این موارد آشنا هستند، برای تمام آن ها جذاب و قابل فهم می باشد. بسیاری از فضایل و آموزه های اخلاقی نیز در زمره همین جهانی های فرهنگی قرار می گیرند. ارزش هایی مانند راستگویی؛ احسان و نیکوکاری، امانت داری و درست کاری، نوع دوستی، دانش پژوهی و ... چیزهایی هستند که در همه فرهنگ ها مورد توصیه و سفارش می شود. ادبیات هر ملتی منبعی عظیم برای این گونه ارزش ها و پدیده ها است. بنابراین لازم است که با روی آوردن به متون ادبی برای آموزش زبان این نیاز زبان آموزان را نیز برآورده کنیم، و موادی را به آنان ارائه دهیم که برای آنان قابل فهم، قابل پذیرش و از جذابیت کافی برخوردار باشد.

تأثیر و چگونگی بهره گیری از ادبیات کودکان برای آموزش زبان فارسی به کودکان غیر فارسی زبان

دانش زبان شناسی جنبه های چندگانه ای برای هر یک از زبان ها قائل است؛ از جمله واژگان زبان، ساخت های نحوی، کاربردشناسی و هنگام آموزش زبان باید کوشش شود که دانش مربوط به هر یک از این ابعاد، از زبان مقصد به زبان آموز منتقل شود. ادبیات کودکان در زبان فارسی می تواند بستر مناسبی را برای این امر جهت کودکان زبان آموز غیر فارسی زبان فراهم آورد. اینک به نقش و تأثیری که ادبیات کودکان از این نظر دارد نگاهی می اندازیم.

۱- ادبیات کودکان و انتقال واژگان زبان فارسی به کودکان غیرفارسی زبان

آقاگل زاده و رضوی زاده (۱۳۹۱) ویژگی های واژگانی متون ادبی کودکان را این گونه بیان می کنند:

«... ادبیات کودکان برای ایجاد رابطه با مخاطب خود باید دارای ویژگی های زبان شناختی ذیل باشد:

الف- پرهیز از کاربرد واژگان دشوار، پیچیده، طولانی و دیرفهم.

ب- کاربرد واژه ها و جمله هایی که کودک یا خود آنها را در زبان به کار می برد و یا بزرگسالان با آن محدوده واژگانی با کودکان ارتباط برقرار می کنند.

ج- ساده نویسی و کاربرد تصویرشناختی زبان... به گونه ای ... که در ذهن کودک تصویر ایجاد کند.»
(آقاگل زاده، رضوی زاده، ۱۳۹۱)

اگرچه مطابق پژوهشی که کوکبی و چراغی (۱۳۹۲) انجام داده اند، همبستگی و همخوانی میان «واژگان نوشتاری» کودکان، یعنی واژگانی واژگان به کار گرفته شده توسط آن ها، و واژگان خوانداری، یعنی واژگان مکتوبی که درک می شوند، به طور میانگین، کم است و این بدان معنا است که نویسندگان ادبیات کودکان در حال حاضر از قابلیت های زبانی کودکان بهره چندانی نمی گیرند، (کوکبی، چراغی، ۱۳۹۲) اما با توجه به این که تداوم استقبال از ادبیات کودکان منوط به توجه به خواست مخاطب است و در نتیجه امید می رود در آینده نویسندگان و شاعران کودکان در آثار خود از واژگان متداول تر و قابل فهم تر استفاده کنند، (کوکبی و همکاران، ۱۳۹۲) می توان با گذشت زمان از ادبیات کودکان به عنوان منبع قابل توجهی برای آموزش واژگان مورد نیاز کودکان فارسی آموز استفاده کرد.

۱. ادبیات کودکان و آموزش ساخت های نحوی زبان فارسی به کودکان غیرفارسی زبان

ادبیات کودکان منبع مناسبی برای آموزش ساخت های نحوی به کودکان فارسی آموز می باشد. با یک نگاه اجمالی به آثار ادبی ویژه کودکان در زبان فارسی می توان برای آموزش هر یک از ساخت های نحوی مثال های مناسبی پیدا کرد. اینک به برخی از این موارد اشاره می شود.

به عنوان مثال، ساخت امری یکی از ساخت های نحوی است که به آسانی می توان آن را از طریق اشعار کودکان به کودکان فارسی آموز آموزش داد. این ساخت با بسامد بسیار بالایی در اغلب اشعار کودکان به کار می رود. شعر زیر نمونه خوبی برای این مورد است:

«خانه بازی نخستین همایش آموزش زبان فارسی»

مینا تو بشو مادر/ مهدی تو بشو بابا

من دخترتان باشم/ یک دخترک زیبا...

بابا تو بگو: "دیر است"/ بر خیز و برو بازار

برگرد و بیا خانه/ با خستگی بسیار

وقتی که تو برگشتی / بنشین و بگو "مینا"

یک چای برای من / بردار و بیار اینجا"

آن وقت پپرس از من / "امروز چه ها کردی؟"

مامان قشنگت را / آزار چرا کردی؟"

یک بوسه بگیر از من / آبی بده گلدان را

شامی بخور و آنوقت آرام بکن لالا» (رحماندوست، ۱۳۶۸)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این شعر در حدود پانزده بار از وجه امری استفاده شده است. بسامد بالای ساخت امری در این شعر هنگامی که با کلام آهنگین و موزون و نیز مضمون بسیار زیبا و مورد علاقهٔ کودکان همراه می‌شود، می‌تواند این ساخت را از طریق تکرار و تمرین به آسانی به زبان‌آموز آموزش دهد.

به عنوان مثالی دیگر می‌توان حذف فعل را مثال زد. در شعر زیر همهٔ فعل‌ها به قرینهٔ معنوی حذف شده‌اند:

« در چشم های مادر

در چشم های مادر / صد دشت آفتابی

صد کوهسار پر برف / صد آسمان آبی

در چشم های مادر / خوبی و مهربانی

در چشم های مادر / آواز باد و باران /

شادابی هزاران / گلزار در بهاران

در چشم های مادر / امید و شادمانی» (کیانوش،)

این شعر نمونهٔ خوبی است برای آموزش جمله‌هایی که فعل در آن‌ها حذف می‌شود و می‌توان مفهوم را بدون بیان لفظی فعل به صورت صحیح و دقیق انتقال داد. وزن و آهنگ و موضوع بسیار جذابی که این شعر دارد، موجب می‌شود آموزش نکته از حالت خشکی و یکنواختی درآید، و برای کودک دلچسب و دلپذیر شود.

شعر زیر نیز مثال خوب دیگری برای آموزش ساخت‌های نحوی از طریق شعر به کودکان می‌باشد:

«در قاب آئینه

می‌چرخم، می‌چرخم / می‌چرخم / می‌چرخم، می‌چرخم

می‌بندم لب‌ها را / لب‌ها را می‌بندی

وقتی که با دستم / می‌مالم رویم را

وقتی که می‌گیرم / با دستم مویم را

همچون من با دستت / می‌مالی رویت را

همچون من می‌گیری / با دستت مویت را

با آن که فکرم را / می‌دانی، می‌خوانی

اما تو در گفتن / می‌مانی، می‌مانی

وقتی من با شادی / می‌پرسم نامت را

لبهایت می‌جنبد / بی‌حرف و بی‌آوا

ای آن که همچون من / خوشحالی، خندانی

در قاب آئینه / هستی تو زندانی» (ابراهیمی، ۱۳۶۶)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود با این شعر موزون، که به راحتی می‌توان آن را برای کودکان به صورت آهنگین اجرا کرد، می‌توان بسیاری از فعل‌های پایه و مورد نیاز مانند چرخیدن، خندیدن، بستن، مالیدن، گرفتن، خواندن، ماندن، پرسیدن و جنبیدن را هم به صورت اول شخص و هم به صورت دوم شخص آموزش داد.

البته مواردی که بیان شد، صرفاً مثال‌هایی بود که به منظور نشان دادن قابلیت‌های شعر کودکان برای آموزش ساخت‌های نحوی به آن‌ها ذکر شد، و با مطالعه و غور در ادبیات کودکان در زبان فارسی می‌توان به موارد فراوان بسیار بهتر و مؤثرتری در این زمینه دست یافت.

۱. ادبیات کودکان و انتقال فرهنگ ایران به کودکان غیر فارسی زبان

همان گونه که در بخش‌های پیشین بیان شد نمی‌توان آموزش زبان را بدون انتقال فرهنگ یا فرهنگ‌پذیری تصور کرد. متون ادبی کودکان از قابلیت‌های بسیار خوب و گسترده‌ای برای ایفای نقش آموزش و انتقال فرهنگ برخوردار هستند. برای نمونه، می‌توان شعر زیر را مثال آورد:

«عروسی»

صبح یک روز بهار / ده ما غلغله بود

هر طرف پر شده بود / بوی اسفند، بوی دود

لباسی داشت به تن / داداشم، علیرضا

لباس تمیز و نو / کفش تازه داشت به پا

به سر عروس خانم / چادر گلی گلی

او قشنگ و نازنین / مثل دسته ی گلی

به سر عروس داماد / خواهرم قند می‌سایید

داداشم نشسته بود / زیر پارچه ای سفید

شاد شاد دست می‌زدیم / من و احمد و رضا

چای و شربت می‌دادیم / به غریب و آشنا

عمه جان گفت که عروس / مثل یک قاصدک است

شاه داماد خوب و قشنگ / ان شاء الله مبارک است» (یوسفی، ۱۳۶۶)

دست‌مایه این شعر پدیده فرهنگی جهانی‌ای مانند ازدواج است، که در بخش‌های پیشین مثال زده شد، و درباره آن سخن گفته شد. این موضوع علاوه بر این که برای همه فرهنگ‌ها جالب و جذاب است، می‌تواند محملی باشد برای آموزش و انتقال فرهنگ فارسی‌زبانان. در این شعر به مراسم عروسی در روستاهای ایران اشاره می‌شود، و برخی از آداب و سنن آن با دقت نسبتاً خوبی بیان می‌گردد. رسم «اسفند دودکردن»، سنت «قند ساییدن بر روی پارچه سفید روی سر عروس و داماد» و چگونگی پذیرایی در مراسم عروسی در این شعر توصیف شده است. علاوه بر این نحوه گفتن تبریک عروسی (ان شاء الله مبارک است) نیز مورد دیگری است که در این شعر آمده و ارزش آموزشی دارد. لازم به ذکر است که این شعر نیز صرفاً به عنوان نمونه و برای نشان دادن ظرفیت‌های ادبیات کودکان در این زمینه ذکر شد.

www.Anjomanfarsi.ir

نتیجه‌گیری:

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که ادبیات به طور کلی و ادبیات کودکان به طور خاص می‌تواند تأثیر قابل توجهی در آموزش زبان داشته باشد. ادبیات می‌تواند به مثابه عاملی برای فرهنگ‌پذیری زبان‌آموزان، به مثابه ابزاری برای انگیزه دادن به زبان‌آموزان، به مثابه منبعی «اصلی» برای آموزش زبان، به منزله منبعی برای افزایش ظرفیت یادگیری زبان‌آموز، به عنوان ابزاری برای کاهش اضطراب زبان‌آموز و به عنوان منبعی ملهم از پدیده‌ها و ارزش‌های فرهنگی جهانی به کمک آموزش زبان بیاید.

ادبیات کودکان در زبان فارسی نیز منبعی است غنی، که متون مناسب برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را در اختیار ما قرار می‌دهد. اگرچه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر از نظر واژگان همبستگی قابل توجهی میان آنچه کودکان استفاده می‌کنند و آنچه نویسندگان و شاعران کودکان در شعرها و داستان‌هایشان به کار

می‌برند، و جود ندارد، اما با توجه به این که تداوم استقبال از ادبیات کودکان وابسته به استفاده نویسندگان و شاعران کودک از قابلیت‌های زبانی کودکان است، می‌توان امید داشت که با گذشت زمان متون ادبی کودکان، از نظر واژگان به واژگان روزمره کودکان هرچه بیشتر نزدیک گردد، و در نتیجه برای استفاده در آموزش زبان مناسب‌تر شود. علاوه بر این با نمونه‌هایی که آورده شد نشان داده شد که ادبیات کودکان می‌تواند در زمینه آموزش ساخت‌های نحوی، انتقال فرهنگ فارسی‌زبانان و آموزش ویژگی‌های کاربردشناختی زبان فارسی به کودکان غیر فارسی‌زبان بسیار مفید و مؤثر باشد.

منابع:

- آقاگل‌زاده، فردوس؛ رضوی‌زاده، اکرم (۱۳۹۱). «ویژگی‌های واژگانی ادبیات داستانی کودکان (گروه‌های سنی الف، ب، ج) در زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی». مجموعه مقالات اولین همایش میان‌رشته‌ای آموزش و یادگیری زبان. صص ۳۰۱-۳۱۲. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ابراهیمی، جعفر (۱۳۶۶). «در قاب آئینه». کیهان بچه‌ها. ش ۳۹۳.
- باقرزاده اکبری (۱۳۸۳). نقش ادبیات کودک در آموزش زبان فرانسه به کودکان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان فرانسه). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفرقلیان، طاهره (۱۳۹۱). ادبیات کودکان. تهران: دانشگاه پیام نور.
- خرات طاهر دل، ته‌مینه (۱۳۸۸). جلوه‌های فرهنگ در کتب آموزش زبان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان-شناسی همگانی). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده زبان‌های خارجی.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۶۸). زیباتر از بهار. تهران: مدرسه.
- رضایزدی، مریم (۱۳۸۰). استفاده از متن‌های ادبی برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عزب‌دفتری، فرشته (۱۳۸۴). ادبیات کودک و نوجوان: مفاهیم و کاربرد آن در فعالیت‌های تربیتی، اجتماعی. تهران: فرهنگ سبز.
- عشقوی، ملیحه (۱۳۹۰). «بهره‌گیری از ادبیات در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان». مجموعه مقالات همایش آموزش زبان فارسی به غیرفارسی. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- کوکبی، مرتضی؛ چراغی، زهره (۱۳۹۲). «بررسی واژگان خوانداری کودکان دبستانی و مقایسه آن‌ها با واژگان نوشتاری آنان». مجله علمی‌پژوهشی مطالعات ادبیات کودکان دانشگاه شیراز. شیراز، دانشگاه شیراز. ش ۲. صص ۱۲۸-۱۴۸
- www.Anjomanfarsi.ir
- کیانوش، محمود (۱۳۵۶). باغ ستاره‌ها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- گنجی، حمزه (۱۳۷۶). روان‌شناسی (کتاب درسی سال چهارم متوسطه عمومی). تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- گودرزی دهریزی، محمد (۱۳۸۸). درس‌نامه دانشگاهی ادبیات کودکان و نوجوانان ایران. تهران: قو: چاپار.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۴۲). تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او. تهران: نشر اندیشه.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹). توصیف و آموزش زبان فارسی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- یوسفی، ناصر (۱۳۶۶). «عروسی». کیهان بچه‌ها. ش ۴۱۰

تأثیر و چگونگی استفاده از ادبیات کودکان برای آموزش زبان فارسی به کودکان غیرفارسی زبان / ۴۹۵

Dornie, Z (1998). Motivation in second and foreign language learning. *Language Teaching* . Volume 31 .Issue 03. July 1998. pp 117 135

Larsen-Freeman, D (1986). *Techniques and principles in language teaching*. Oxford University Press.

Tomlinson, B. (2003). *Devoloping materials for language teaching*. Cromwell Press.

Richards, Jack C. ; Rodgers, Theodore S. (2001). *Aproaches and Methods in language Teaching 2nd ed.*

Yule, George.G. (1996). *Pragmatics*. Oxford University Press



نخستین همایش آموزش زبان فارسی

[www. Anjomanfarsi.ir](http://www.Anjomanfarsi.ir)